

علمی - ترویجی

امکان‌سنجی توسعه قاعده حرمت میت مسلمان نسبت به غیرمسلمان

سید محسن آریز(نویسنده مسئول) استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات دانشگاه حکیم سبزواری

Sm.aziz@hsu.ac.ir

حسن حسینی یار: فارغ‌التحصیل دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

حامد رستمی نجف‌آبادی: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه مذاهب اسلامی

چکیده

از آنجا که تمام انسان‌ها اولاً مخلوق خداوند هستند و ثانیاً جنس انسان نسبت به سایر موجودات در آیات قرآن از سایر موجودات برتر و گرامی‌تر دانسته شده است، اصل اولیه در مورد انسان، کرامت ذاتی و محترم بودن است. مادامی که انسان با اختیار و آگاهی، مرتکب عملی نشود که این کرامت را مخدوش کند، حفظ احترام او واجب و انجام هر عملی که باعث هتک حرمت او شود ممنوع است. در آموزه‌های اسلامی از جمله عوامل رفع کرامت ذاتی انسان، کفر دانسته شده است. از سوی دیگر در منابع فقهی کفر با عدم اعتقاد به اسلام، مساوی دانسته شده است و بر همین اساس، مشهور فقها قائل به نفی حرمت کلی غیرمسلمان شده‌اند. از جمله تبعات این نگاه، انحصار قاعده‌ی حرمت میت به میت مسلمان و به تبع آن فتوا به عدم وجوب تکریم جسد غیرمسلمان و عدم حرمت تصرف بدون اجازه در بدن غیرمسلمان است.

این تحقیق که به روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از آیات، روایات و کلام فقهاء انجام شده و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اختصاص قاعده‌ی «حرمت میت» به میت مسلمان، و نفی هرگونه احترام و حرمتی از میت غیرمسلمان، با مسلمات قرآنی، روایی و عقلی و اصل کرامت ذاتی منافات دارد و بنابراین فاقد پشتوانه عقلی و نقلی قابل دفاع است و دلیلی صریح بر لزوم تفکیک وجود ندارد.

کلمات کلیدی: قاعده حرمت میت، مسلمان، کافر، غیرمسلمان، آیات و روایات

The feasibility study of extension the rule of respect for the Muslim dead relative to non-Muslims

Abstract

Since all the humans at the first are God's creation and secondly human species in holy book(Quran) has been given more priority and honorable than other species(as creations),

The basic principle about human beings is inherent generosity and respectfully.

His respect should be maintained and it is forbidden to do any act that violated his dignity. As long as the human being with consciousness and will, does not commit any act that disturbs this inherent.

In Islamic teaching, has been counted one of the factors that collapse inherent dignity of human beings, disbelief.

On the other side, in jurisprudential sources, disbelief has been counted equal with not believing to the God. According to this, the dominant of jurists accepted the lowliness in every aspect for non-Muslims.

In this view on of the consequences is made exclusive rule of respect to the dead in the Muslims dead, and according to this make judgment to there is no obligation for non-Muslims body and dishonor consume to non-Muslims body without premission.

This research was done by descriptive and analytical method and using verses, narrations and jurists views.

The result of this research shows that there is inconsistency in allocation of the rule respect to the dead, and denying any respect of non-Muslims with assured Quran's aspect and narrative and rational and inherent dignity.

Therefore, it lacks defensible rational and narrative support, and there is no clear reason for the necessity of separation

Key words: the rule of sanctity of the dead, Muslims, infidels, non-Muslims, verses and hadiths

خداوند متعال در قرآن کریم از دو گونه کرامت برای انسان، سخن گفته است یکی کرامت ذاتی و دیگری کرامت اکتسابی.

کرامت ذاتی: «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (اسراء: ۷۰)

برخی از مفسران در باب دایره‌ی شمول این کرامت گفته اند:

«این آیه در سیاق منت نهادن است، البته منتی آمیخته با عتاب، گویی خدای تعالی پس از آنکه فراوانی نعمت و تواتر فضل و کرم خود را نسبت به انسان ذکر نمود و او را برای به دست آوردن آن نعمتها و رزقها و برای اینکه زندگیش در خشکی به خوبی اداره شود سوار بر کشتیش کرد. و او پروردگار خود را فراموش نموده و از وی رو گردانید، و از او چیزی نخواست و بعد از نجات از دریا باز هم روش نخست خود را از سر گرفت با اینکه همواره در میان نعمت‌های او غوطه‌ور بوده اینک در این آیه خلاصه‌ای از کرامتها و فضل خود را می‌شمارد، باشد که انسان بفهمد پروردگارش نسبت به وی عنایت بیشتری دارد، و مع الأسف انسان این عنایت را نیز مانند همه‌ی نعمتهای الهی کفران می‌کند. از همین جا معلوم می‌شود که مراد از آیه، بیان حال جنس بشر است، صرف نظر از کرامت‌های خاص و فضائل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده، بنا بر این آیه مشرکین و کفار و فاسقین را زیر نظر دارد، چه اگر نمی‌داشت و مقصود از آن انسان‌های خوب و مطیع بود معنای امتنان و عتاب درست در نمی‌آمد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۲۱۴) در برخی تفاسیر منظور خداوند از بیان این جمله «یعنی رفتار ما با آنها (انسان‌ها) احترام آمیز است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۴/ ۱۷۷) بنابراین وقتی رفتار خداوند به عنوان اولی و ابتدائی با انسان رفتاری احترام آمیز است. مفهوم آن این است که مادامی که از انسان عقیده و عملی خلاف مقام کرامت و احترام، سر نزده، احترام او محفوظ است.

کرامت اکتسابی: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است!» (حجرات: ۱۳)

همچنین تعبیر ظریف قرآن در باب نحوه‌ی آفرینش انسان، چنانچه برخی مفسران، اشاره کرده‌اند، حکایت از ارزشمندی نوع انسان دارد. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۶۲)

از مجموع این دو دسته از آیات به دست می‌آید که اگرچه مسلمانان و اهل ایمان به طور ویژه، از کرامت و احترام نزد خداوند، برخوردار هستند، اما نوع انسان، به‌عنوان اولیه نیز، دارای کرامت ذاتی است. بر همین اساس، برخی فقهای معاصر توجه به کرامت را در فرآیند استنباط احکام اخلاقی و حقوقی، ضروری دانسته‌اند. (همان، ۱۶۲-)

(۱۶۳)

از جمله قواعد فقهی که ارتباط مستقیم با حرمت و کرامت ذاتی انسان دارد، قاعده‌ی «حرمت میت مسلمان» است. با توجه به این که در قرآن به کرامت ذاتی انسان تصریح شده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا هر نوع عدم گرایش به اسلام هر چند به دلیل قصور باشد، می‌تواند نافی کرامت ذاتی انسان و حرمت غیرمسلمان، باشد؟

۲- پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع پژوهش منبعی که به طور مستقل به این موضوع با رویکرد این پژوهش، پرداخته باشد یافت نشد. لیکن در مفاهیم و مبانی پژوهش از منابعی بهره گیری شده است؛ ولی مقالات مرتبط ذیل را می‌توان نام برد: مقاله «تأملی بر تفکیک قبور مسلمانان از غیر مسلمانان (مطالعه تطبیقی در فقه شیعه و اهل سنت)» مجله مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی؛ که نتیجه گرفته شده که به رغم تفکیک قبور مسلمان و غیر مسلمان از صدر اسلام، دلیلی صریح بر لزوم تفکیک نداریم.

مقاله «حمایت از اجساد در حقوق بین الملل بشردوستانه و دیدگاه اسلامی» در فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب؛ که در این مقاله، حمایت از اجساد در چارچوب منابع فقه اسلامی مطالعه شده است؛ که احترام به شخصیت انسان پس از مرگ، ضرورت خاک سپاری فوری اجساد و حرمت قطع عضو اجساد کشته شدگان در جنگ به عنوان یک تکلیف دینی در روایات معصومین (ع) و آرای فقیهان مسلمان برجسته است.

۳- روش انجام تحقیق

روش تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای است و از اینترنت و نرم افزارهای علوم اسلامی (نرم افزار جامه فقه، نرم افزار جامع اصول فقه، نرم افزار قاموس النور، نرم افزار جامع التفاسیر و جامع الاحادیث) نیز برای بررسی واژگان تحقیق، آیات قرآن، روایات حضرات معصومین (ع)، نظرات علمای علم اصول و علمای علم فقه، استفاده می‌شود.

۴- تعریف کافر در لغت و اصطلاح مفسرین و فقها

کفر در لغت هر چیزی که ستر باشد به همین دلیل به شب کافر میگویند چون در تاریکی همه چیز را می‌پوشاند. (رازی، ۱۴۰۴: ۱/ ۴۱) و برخی مفسرین کافر را به معنای کشاورز می‌نامند چرا که بدر را در خاک پنهان می‌نماید (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴/ ۱۸۴) (مصطفوی، ۱۴۰۶: ۱۰/ ۱۷۹) عده ای کفر را به معنای مخفی نمودن نعمت و شکر را آشکار ساختن نعمت دانسته اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۲۶) و در اصطلاح تعاریفی من جمله: هر کس هرگونه معرفت اعم از توحید، عدل نبی اکرم (ص) و هر چیزی که به عنوان ارکان شریعت در اسلام از سمت خداوند آمده را انکار کند را کافر می‌نامند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۲۷) و عده ای کفر را خروج از اسلام و انکار ضروری دین تعریف میکنند (حلی، ۱۴۰۸: ۱/ ۴۵) و برخی از مفسرین و فقها کفر را مثل ایمان یک صفت میدانند که توانایی شدت و ضعف دارد میدانند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۵۲) با توجه به مطالبی که بیان شد متناسب با موضوع مقاله میتوان کافر را به ذمی و حربی تقسیم کرد. گروه اول: افرادی هستند که با پیمان دائم با حکومت

اسلامی از حقوقی من جمله محترم بودن جان مال و ناموس برخوردار هستند و به قولی دارای اهلیت قرارداد می باشند (نجفی، ۱۳۸۵: ۲۱/۲۳۵) اینها در صورتی که بخواهند در حکومت اسلامی زیست کنند باید طبق قراردادی به دولت جزیه پرداخت کنند که دارای مفاهیمی مختلفی من جمله مالیات (منتظری، ۱۴۱۵: ۳/۳۶۵)، روشی برای دعوت به دین (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۰/۷۷) و کافی بودن (راغب اصفهانی، ۱۹۵/۱۴۲۶) می باشد و اما گروه دوم کافر حربی اعم از آنکه با مسلمانان اعلام جنگ کرده باشند و کافرانی که از اهل کتاب هستند ولی با مسلمانان جنگ ندارند (شهرستانی، ۱۳۶۷: ۱/۴۲) که البته به اعتقاد برخی در واقع این ها از اهل کتاب و یا شبهه کتاب نیستند (فتح الله، ۱۴۱۵/۳۴۳)

در برخی منابع به وجود دو عنصر تکذیب و انکار در اطلاق اصطلاح کافر تصریح شده است. اما در ادامه همان تعریف، ندانستن اعتقادات اسلامی هم مشمول اصطلاح کافر دانسته شده است. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲/۲۸۰) در برخی منابع کافر، کسی دانسته شده که از اسلام خارج شود و یا در عین گرایش به اسلام ضروریات دین را انکار کند. (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱/۴۵) این تعریف نیز دچار ابهام است، چراکه مشخص نشده این خارج شدن باید در عین آگاهی باشد، یا هر نوع خارج بودنی از اسلام باعث کفر می شود. در برخی منابع کافر کسی دانسته شده که نسبت به چیزی که می داند ضروری دین است، حالت حجود و انکار داشته باشد. (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۱/۱۵۸) گر این نوع تعاریف، مبنا قرار گیرد، تنها کسی را می توان کافر دانست که در عین آگاهی از اسلام و حقانیت آن، بر کیش خود باقی مانده است. در بسیاری منابع صرف گرایش به دینی غیر از اسلام، باعث کافر محسوب شدن فرد، دانسته شده است. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰: ۱/۱۵۰) براساس این تعریف نیز، اصطلاح کافر شامل تمام غیر مسلمانان اعم از قاصر و مقصر می شود. در برخی منابع هر غیر مسلمانی کافر دانسته شده است. (صدر، ۱۴۰۳/۳۱۸) در برخی از منابع بدون تفکیک قائل شدن میان قاصر و مقصر، انکار خداوند و شریک قائل شدن برای او موجب کافر محسوب شدن فرد دانسته شده است. (اراکلی، ۱۴۱۴: ۱/۲۲) به طور کلی در بیشتر منابع فقهی صرف عدم گرایش به دین و آیینی غیر از اسلام موجب کافر محسوب شدن فرد دانسته شده است. بنابراین می توان گفت در منابع فقهی واژه «کافر» شامل هر غیر مسلمانی می شود.

۵- نفی کلی حرمت کافر در منابع فقهی

۵-۱. اختصاص قاعده حرمت میت، به میت مسلمان

عنوان این قاعده عبارت است از «قاعده حرمت میت مسلمان» (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵: ۱/۱۶۷) و مفاد این قاعده عبارت است از «حرمت هر عملی که مصداق هتک شأن میت و باعث از بین رفتن احترام او شود». اموری مانند: قطع عضو، انداختن جسد در کثافات، انداختن نجاست و کثافت روی جسد و موارد این چنینی که مصداق هتک حرمت میت محسوب می شوند. (همان، ۱۶۹) بنابراین این قاعده پشتوانه حکمی شرعی است و آن عبارت است از حرمت توهین به میت مسلمان و وجوب حفظ احترام او. (همان، ۱۷۱) چنانچه در عنوان قاعده آمده و در مفاد قاعده نیز تصریح شده، در منابع فقهی این قاعده مختص به میت مسلمان دانسته شده است.

۵-۲. تصریح به عدم حرمت کافر در منابع فقهی

در برخی منابع حرام نبودن غیبت کافر، نتیجه‌ی فاقد حرمت بودن او، دانسته شده است. (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵: ۱۰، ۶) در برخی منابع حرمت خواستگاری از زن ذمی که به خواستگاری فردی، پاسخ مثبت داده است، مختص مسلمان دانسته شده و خواستگاری از زن ذمی که به مرد ذمی پاسخ مثبت داده، جایز دانسته شده و در مقام استدلال، به عدم حرمت کافر اشاره شده است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۷/۳۳) در برخی منابع بدون این که نسبت به کافر حربی تقسیم و تفکیکی میان قاصر و مقصر، صورت گیرد، جان، آبرو و مال او فاقد حرمت، دانسته شده است. (تبریزی، بی تا: ۱، ۱۹۶) در برخی منابع در مقام تبیین چرایی عدم وجوب رو به قبله کردن میت کافر آمده است: «(این عدم وجوب رو به قبله کردن میت کافر) به دلیل این است که این حکم مانند سایر احکامی که برای احترام به میت واجب شده اند، مشروط نتیجه‌ی حرمت داشتن میت است و برای کافر هیچ حرمتی نیست» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰: ۶/۱۷)

در برخی منابع در باب چرایی جواز غیبت مسلمان غیرشیعه، ضمن تصریح به عدم تفاوت میان قاصر و مقصر در شمول این حکم، مسلمان غیرشیعه کافر دانسته شده و کافر فاقد هرگونه احترامی دانسته شده است. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۳: ۴/۲۹۸) در برخی منابع برداشتن عضو میت کافر و پیوند آن، بدون اجازه‌ی میت و یا وصی او، جایز دانسته است و در مقام تبیین چرایی این حکم، به فاقد حرمت بودن تمام اقسام کفار، تصریح شده و حرمت ذمی هم محدود به زمان حیات او دانسته شده است. (مومن قمی، ۱۷۷/۱۴۱۵) در برخی منابع در مقام تبیین دلیل عدم وجوب اجازه‌ی فرزند از پدر برای انعقاد قسم، به فقدان حرمت کافر اشاره شده است. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۱/۲)

از نظر فقها استعانت از کفار در جهاد جایز است به شرط اینکه کفاری که مسلمانان از آنها استمداد می‌طلبند با نظام اسلامی حسن نیت در روابط داشته باشند (جوکار، روستا؛ غریب پور، ۱۴۰۲: ۲۴۹-۲۷۴) بنابر آنچه از منابع فقهی نقل شد، در موارد متعدد فقها بدون تفکیک میان غیر مسلمان و کافر، و به عبارتی میان غیر مسلمان قاصر و غیر مسلمان مقصر، هر غیر مسلمانی را فاقد هرگونه حرمتی دانسته‌اند.

۳-۵ نظرات مخالفین

۱-۳-۵ ادله و روایات حرمت میت غیر مسلمان

طبق تمام انسانها حق دارند که رفتار احترام آمیزی نسبت به آنان صورت پذیرد حتی اگر از دنیا رفته باشند. قوانین اسلام اجساد باید به سرعت دفن گردند تا از فساد آنها جلوگیری شود. در قران کریم مساله دفن انسان مرده مورد توجه قرار گرفته و نحوه دفن جسد را در قضیه هابیل و قابیل به انسان آموزش داده است (مائده/۳۱) اما کیفیت و ابعاد این تعهد در روایات تبیین شده است که بدان اشاره می‌شود.

۲-۳-۵ روایات

دسته ای از روایاتی که در مورد حرمت میت و دفن اجساد نقل شده روایاتی است که امر به دفن در گذشتگان را به طور مطلق اعم از مسلمان و غیر مسلمان، بیان می نماید.

از اطلاق این گروه از روایات به دست می آید که دفن مرده کافر، جایز، بلکه در صورت آزار مردم و خوف از (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۹/۴۶) (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/۲۶۸)، امراض واجب است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۱/۳)؛

گروهی دیگر از روایات، بیانگر این نکته هستند که دفن مرده کافر آن گونه که مسلمان را غسل و کفن و دفن (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۱۴/۲) می نمایند جایز نیست (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۳۵/۱)

امادالالتی بر عدم جواز دفن به معنای آن که صرفاً زیر خاک قرار دهند ندارد

به نظر می رسد نهی موردی است که بخواهند جسد کفار را طبق احکام اسلامی غسل، کفن و دفن نمایند و آلا وارده در روایات در مورد دفن کفار، شامل صرف خاک کردن کشته دشمن جهت جلوگیری از تجزیه و متلاشی شدن آن در منطقه و ایجاد آلودگی های مختلف و حتی از باب احترام به مقررات بشردوستانه بین المللی، امری مطلوب و معقول می باشد. سیره پیامبر اکرم (ص) در مورد دفن کشته های قریش در جنگ بدر می تواند موید این امر باشد. (لطفی و دیگران، ۱۸۶/۱۳۹۵)

۶- دلایل شمول قاعده حرمت میت نسبت به میت غیر مسلمان

۱-۶. ایجابی بودن معنای کافر در منابع لغت، آیات و روایات

معنای کافر در منابع لغت: در منابع لغوی به هر چیزی که به نوعی پوشاننده و عامل پوشیده شدن چیز دیگری شود، کافر اطلاق می شود، مثلاً به شب کافر گفته شده است. (خلیل بن احمد، بی تا: ۵، ۳۵۷) و نیز ن.ک: (ازهری، بی تا: ج ۱۰/۱۱۲)، (ابن سیده، بی تا: ۷/۴) بنابراین اگرچه کافر در لغت در برخی مصادیق همچون کشاورز، به معنای پوشاننده به کار می رود و عنصر عمد و آگاهی در اطلاق این کلمه بر کشاورز نقش دارد اما بر اساس برخی دیگر از مصادیق معانی لغوی کافر، همچون شب، به لحاظ لغوی، عمد و آگاهی در اطلاق واژه ی کافر بر کسی یا چیزی، مداخلیت ندارد. اما خواه کافر به چیزی یا کسی گفته شود که باعث پوشاننده شدن چیز دیگری شود و خواه به چیزی یا کسی گفته شود که باعث پوشیده شدن چیز دیگری شود، جای طرح این سؤال است که آیا وجود هر غیر مسلمانی لزوماً باعث پوشاننده شدن و یا پوشیده شدن حق می شود؟ به نظر می رسد که اطلاق واژه ی کافر به هر دو معنا، بر غیر مسلمانی که از اسلام آگاهی ندارد و نسبت به حق انکار و عنادی ندارد، محل تردید است.

مفهوم کافر در قرآن: از جهات متعدد می‌توان برداشت که از منظر قرآن کافر و مشتقات آن بر کسی قابل اطلاق است که در عین آگاهی از حق و در عین امکان پیروی از حق از آن روی برمی‌تابد و آن را انکار می‌کند.

در برخی آیات صفات و خصوصیات که در کنار واژه‌ی کفر و مشتقات آن آمده است گویای حقیقت پیش گفته است.

مثلاً در برخی آیات مشتقات کفر همراه با صفت عناد آمده است: «الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ كِفَارٍ عَنِيدٍ» (ق: ۲۴) در برخی تفسیر تصریح شده است که عنید به معنای معاند و کسی است که از حق روی گردان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳/ ۲۶۷) همچنین در تفسیر کشاف در توضیح مفهوم عنید آمده است: «معاند مجانب للحق معاد لأهله» (زمخشری، ۱۳۹۱: ۴/ ۳۸۷) که مؤید تفسیر مذکور است.

در برخی آیات ممانعت و جلوگیری از راه حق در کنار کفر ورزیدن آمده: «کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند سپس در حال کفر از دنیا رفتند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید.»^۱ (محمد: ۳۴)

در برخی آیات کافران را مشمول لعنت و دوری از رحمت خداوند دانسته است که نشان دهنده‌ی این است منظور فردی است که در عین آگاهی از حق و امکان پیروی از حق از آن روی گردان می‌شود و بر باطل خود اصرار می‌ورزد. در برخی آیات کسانی را که در حال کفر می‌میرند، مشمول لعن و نفرین خداوند، فرشتگان و تمام مردم، دانسته است: «کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود!»^۲ (بقره: ۱۶۱) در تفسیر این آیه در برخی تفاسیر آمده است: «کسی که از بی توجهی بدین حق متدین نباشد، نه از روی عناد و کبر ورزی، چنین کسی در حقیقت کافر نیست، بلکه مستضعفی است که امرش بدست خدا است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/ ۵۸۸)

در برخی آیات برای کافران، وعده‌ی عذاب دردناک و شدید داده است.^۳ (بقره: ۱۲۶) اگر واژه‌ی کافر شامل غیر مسلمان قاصر شود، هم از جهت تعارض با سایر آیات که مشمول عذاب شدن را در صورت ارسال پیامبران دانسته^۴، (اسراء: ۱۵) و هم از جهت این که عقلاً مجازات جاهل قاصر امری قبیح و زشت است، قابل قبول نیست. بنابراین واژه‌ی کافر براساس این دسته از آیات منصرف به غیرمسلمان مقصر است.

در برخی آیات ایمان و کفر دو مفهوم و دو خصویت مقابل هم دانسته شده است (بقره: ۲۵۳).^۵ با توجه به این که اعتقاد، نوعی ملکه است، اولاً تقابل اسلام و کفر از نوع تقابل ملکه و عدم ملکه است و به همین دلیل فقدان اعتقاد

^۱ «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ»

^۲ «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»

^۳ «وَمَنْ كَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلْبًا ثُمَّ أَصْطَرَّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ يَنْسُ الْمَصِيرَ»

^۴ «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»

^۵ «... فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ...»

به اسلام، جایی معنا دارد که تحقق اعتقاد، ممکن باشد و امکان اعتقاد، فرع بر آگاهی و اختیار است. ثانیاً از آنجا که تنها تقابل سلب و ایجاب، مانع الخلو است، و مقوله کفر و ایمان، از مصادیق ملکه و عدم ملکه است، امکان تصور حالت سومی میان اسلام و کفر، وجود دارد. بنابراین غیرمسلمانی که اساساً از اسلام آگاهی و یا قدرت تمیز میان حق و باطل را ندارد، امکان اعتقاد نسبت به او متصور نیست و در نتیجه اطلاق واژه‌ی «کافر» بر او صحیح نخواهد بود.

علاوه بر این که در برخی آیات کفر ورزیدن محصول پیروی از القائنات شیطان دانسته شده است.^۱ (حشر: ۱۶) این معنا به طور تلویحی نشان دهنده‌ی این است که کفر اعراض از حق و گرایش به باطل است. بنابراین این قسم آیات نشان دهنده‌ی این حقیقت هستند که لازمه‌ی اطلاق واژه‌ی کافر، اعراض از حق در عین آگاهی از حق و تشخیص حق بودن آن است.

همچنین در برخی آیات در مقام توییح برخی از یهودیان، علت زشت بودن اعراض آن‌ها از اسلام را آگاهی آن‌ها از حقانیت اسلام دانسته است.^۲ (بقره: ۴۱) در این آیات کافر در موردی به کار رفته که نسبت به حقانیت یک اعتقاد، آگاهی وجود دارد. در برخی تفاسیر در همین راستا، آمده است که این آیه به طور تلویحی اشاره به لزوم اولیت گرایش به اسلام به دلیل داشتن شناخت و آگاهی، دارد. (زمخشری، ۱۳۹۱: ۱، ص ۱۳۱)

در بسیاری از آیات کفر نسبت به یک عقیده و یا در مقابل یک دعوت، مطرح شده است (اعراف: ۴۵ و ۷۶).^۳ این نوع آیات به وضوح نشان دهنده‌ی این حقیقت هستند که واژه‌ی کافر زمانی بر غیرمسلمان قابل اطلاق است که اولاً از یک باور و عقیده و حق بودن آن آگاه باشد و ثانیاً آن را انکار کند.

از مجموع آیات پیش گفته این نتیجه روشن و قطعی به دست می‌آید که از منظر آموزه‌های قرآنی واژه‌ی «کافر» بر کسی قابل اطلاق است که در عین آگاهی از حق و امکان پیروی از حق، از آن اعراض می‌کند. مفهوم کافر در روایات:

نفی حصر تقسیم انسان‌ها به مومن و کافر در روایات: در روایات متعددی انحصار تقسیم انسان‌ها به مومن و کافر، صراحتاً نفی شده است که در ذیل به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

«حمران بن اعین می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: (یکی از اقوام من) می‌گوید: مردم دو دسته‌اند؛ گروهی مومن هستند و گروهی کافر، امام علیه السلام فرمودند: کجا هستند کسانی که کار نیک را با کار بد در آمیختند؟! کجا هستند کسانی که امید به عفو و گذشت خدا دارند؟!» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۰۸)

^۱ «كَمَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»

^۲ «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ...»

^۳ «... وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ؛ وَ أَنهَا بِهٖ آخِرَتِ كَافِرُونَ!» «قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»

«از زراره نقل شده که: درباره‌ی معنای مستضعف از امام باقر علیه السلام سؤال کردم، ایشان پاسخ دادند: مستضعف کسی است که نه راهی به سوی کفر می‌یابد تا این که کافر شود و نه راهی به سوی ایمان می‌یابد، بنابراین نه می‌تواند ایمان بیاورد و نه می‌تواند کفر ورزد، این گروه شامل کودکان و مردان و زنانی هستند که عقلشان در حد عقل کودکان است که قلم و حساب و کتاب از ایشان برداشته شده است.» (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۰/ ۹۹-۱۰۰)

از این نوع روایات برداشت می‌شود عدم قدرت تشخیص این گروه باعث شده که مصداق عنوان کافر، به شمار نروند و نیز این روایات نشان دهنده‌ی این است که این گروه قسیم کافر محسوب می‌شوند، نه قسم کافر.

«عمر بن ابان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی مستضعفین سؤال کردم، ایشان پاسخ دادند: آن‌ها اهل ولایت هستند. عرض کردم: کدام ولایت؟ فرمود: منظور ولایت در دین نیست، بلکه منظور از ولایت، ولایت در ازدواج، ارث و معاشرت است و آن‌ها نه مومن هستند و نه کافر و برخی از همین افراد از جمله مصدق کسانی هستند (که در قرآن) از آن‌ها به عنوان «المرجون لأمر الله» کسانی که وضعیشان در قیامت به خواست خدا واگذار شده» محسوب می‌شوند» (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۰/ ۱۰۳)

در این روایت نیز امام علیه السلام، مستضعفین را قسیم کافران و مومنان دانسته‌اند و نیز فی الجمله اجازه اختلاط با آن‌ها را به شیعیان داده‌اند.

قدرت تشخیص حق، شرط تحقق کفر: از مفهوم برخی روایات استفاده می‌شود که قدرت و استعداد شناخت و تشخیص حق شرط لازم برای کافر دانستن غیرمسلمان است. یعنی اگر کسی قدرت تشخیص حق را داشت و در عین حال بر عقیده‌ی باطل ماند، کافر به شمار می‌رود. در ذیل به برخی از این روایات اشاره می‌شود.

اسماعیل جعفری نقل می‌کند: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا اگر کسی اعتقادات صحیح را نشناسد از آتش جهنم نجات می‌یابد؟ فرمود: نه مگر مستضعفین عرض کردم: آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: زنان و کودکان. سپس فرمود: آیا ام ایمن را می‌بینی؟ من شهادت می‌دهم او اهل بهشت است، با این که از اعتقادات شما شناخت و آگاهی ندارد» (همان)

«ابابصیر نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اختلاف مردم (در مسائل اعتقادی) را درک کرد، مستضعف محسوب نمی‌شود.» (همان، ص ۱۰۴)

در برخی روایات اصحاب اعراف، مؤلفه قلبی، کسانی که عمل خوب و بد را باهم دارند و کسانی که وارد بهشت نشده‌اند اما امیدوار هستند وارد آن شوند، قسیم کفار دانسته شده‌اند.

«علی بن رئاب نقل می‌کند: زراره بر امام صادق علیه السلام وارد شد... (زراره به امام عرض کرد) مردم یا مومن هستند یا کافر. امام صادق علیه السلام فرمود: پس اصحاب اعراف، مؤلفه قلبی، کسانی که عمل خوب و بد را

در آمیختند و کسانی که وارد بهشت نشده‌اند اما امید دارند وارد آن شوند، کجا هستند؟! (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲
۵۶۰/۵۶۱)

در برخی روایات به عنصر «جحد» در توضیح مفهوم کافر اشاره شده است:

«کافر کسی است که نبوت من را انکار کند و معاند کسی است که ولایت علی و خاندان او را انکار کند»

(قمی، ۱۴۲۳/۱۱۳) و باتوجه به این در منابع لغت، جحد ضد اقرار (خلیل ابن احمد، بی تا: ۷۲/۳) و نیز ن.ک: (ازهری، بی تا: ۷۷/۴) و نیز انکار همراه با علم (یعنی انکار چیزی در عین آگاهی از حق بودن آن، معنا شده است (جوهری، بی تا: ۴۵۱/۲) و نیز ن.ک: (عسکری، بی تا: ۳۷) (ابن فارس، بی تا: ۴۲۶/۱) (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۸۷) (ابن منظور، بی تا: ۱۰۶/۳) (فیومی، بی تا: ۹۱/۲) (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰/۳) (موسی، بی تا: ۱/۲۵۰) (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۵۶/۲) (قرشی، بی تا: ۱۸/۲) (مهنا، بی تا: ۱۶۵/۱) می توان از این روایت برداشت کرد که عنصر «انکار همراه با علم» در اطلاق اصطلاح «کافر» بر کسی، عنصری لازم و ضروری است.

همچنین در برخی روایات آمده است:

«اگر بندگان، وقتی چیزی را نمی دانستند (درک نمی کردند، نمی فهمیدند)، سکوت می کردند (سریع نفی نمی کردند) و جحد (انکار) نمی کردند، کافر نمی شدند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۸/۲)

این روایات نیز مؤید این معنا هستند که برای صحت اطلاق اصطلاح «کافر» بر کسی، حضور و وجود عنصر «انکار همراه با علم»، ضروری است.

در برخی روایات تصریح شده است که عدم اعتقاد مادامی که منجر به انکار نشود، باعث کفر نمی شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۳۹۹) در این روایات نیز شرط کافر محسوب شدن، «جحد» حق دانسته شده که باتوجه به معنای لغوی «جحد» که «انکار همراه با علم» است. این نتیجه به دست می آید که عدم اعتقاد مادامی که منجر به جحد نشود، کفر محسوب نمی شود.

البته مؤلفه‌هایی دیگر نیز برای کفر نیز مطرح شده است: مانند شک؛ که هر چند مستند به برخی روایات است، اما دارای معارض است و بر مبنای حجیت خبر اطمینانی، معتبر نیست. تعریف کفر به عدم ایمان به صورت مطلق نه تنها مستند روایی ندارد، بلکه دلیل مخالف روایی هم دارد. ویژگی جهل نیز نه تنها مستندی ندارد، بلکه دلیل مخالف هم دارد و ویژگی اخلال به توحید و عدل و اعتقاد به آنچه موجب خروج از دین اسلام می شود نیز دارای ابهام است و در نتیجه قابل ارزیابی نیستند. بر پایه معنای لغوی و نیز تعریف فقیهان و متکلمان که مستند به روایات است، کفر کنشی فعالانه (انکار) در قبال یک امر است نه صرف عدم کنش؛ بنابراین کسی که در قبال دین موضع گیری نکرده است، چه بدان جهت که امر در نظرش مشتبه بوده و چه بدان دلیل که اساساً دین به او

عرضه نشده است، کافر نام ندارد؛ هر چند مؤمن یا مسلمان نیز شمرده نمی شود. (روشن ضمیر؛ مهدوی ارجمند، ۱۴۰۳: ۱۱۸). کفر دارای معنی سلبی نیز است؛ یعنی عدم واکنش مثبت نسبت به یک امر؛ چه این عدم واکنش مثبت، همراه با بروز واکنش منفی باشد؛ و چه صرفاً عدم واکنش باشد. اما به نظر، کفر کنشی (انکار و تکذیب) در برابر باورهاست، نه صرف عدم واکنش.

۲-۶. نبود قید اسلام در روایات حرمت میت

در روایاتی که در آن‌ها مساوی بودن حرمت میت با حرمت زنده، مستند یکی از احکام شرعی، عنوان شده، به قید مسلمان بودن اشاره نشده است.

از جمله در روایتی آمده است:

«عبدالله بن جعفری می گوید: نزد امام باقر علیه السلام نشسته بودم که نامه‌ای از هشام بن عبدالملک برای ایشان آوردند، مضمون نامه این بود که، مردی زنی را از قبر بیرون آورده سپس با او آمیزش کرده، مردم در مورد حکم این فرد اختلاف نظر دارند... امام باقر علیه السلام نوشتند: حرمت مرده مانند حرمت زنده است حد او این است که دستش به خاطر نبش قبر و بیرون آوردن لباس قطع شود و به خاطر آمیزش با آن زن، حد زنا بر او جاری می شود...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۸ / ۷)

و نیز از حسین بن خالد نقل شده: «از امام صادق علیه السلام حکم فردی که سر مرد میتی را قطع کرده چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: همان گونه که (دست اندازی) به او را در زمان حیاتش ممنوع فرموده است به همان صورت (دست اندازی) به او را در زمان حیاتش ممنوع فرموده است...» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۵ / ۲۹)

مرحوم صاحب جواهر ضمن تصریح به عدم وجوب دفن کافر اعم از حربی و غیر آن، در عدم جواز دفن اشکال می کند و آن را محل تأمل و نظر می داند؛ با این استدلال که مقتضای اصل جواز دفن همه موجودات اعم از حیوان و غیر آن است. (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۳۳-۱۳۲).

بر این اساس اگر قائل به کرامت ذاتی انسان شدیم با استفاده از عام قرآنی: «لقد کرما بنی آدم» همان گونه که انسان بما هو انسان (بنی آدم) در زمان حیاتش کرامت ذاتی دارد، هنگام وفات نیز حیثیت جسمی و معنوی وی دارای کرامت است و هتک حرمت جسد وی جایز نیست؛ بلکه حفظ کرامت آن لازم است. مرحوم آیت الله منتظری که قائل به کرامت ذاتی انسان است در کتاب رساله‌ی حقوق خود روایتی از جابر بن عبد الله نقل می کند: که روزی جنازه یک یهودی از کنار ما عبور داده شد و پیامبر به احترام آن قیام کرد و فرمود هرگاه جنازه‌ای را مشاهده کردید قیام کنید. بر اساس روایت دیگری چنین صحنه‌ای واقع شد و پیامبر قیام کرد. در مقابل، اصحاب ایشان اعتراض کردند که جنازه از غیر مسلمان بود! پیامبر گفت: آیا او یک انسان نیست؟ (منتظری، ۱۳۹۴ / ۳۴-۳۳)

۳۳). در قرآن تصریح شده که روح خدا در انسان دمیده شده و او شایسته تکریم و حتی تعظیم فرشتگان و سجده فرشتگان است، خداوند به واسطه خلق انسان به خود تبریک گفته است و غیره. بنابراین که خدا احسن الخالقین باشد، احسن المخلوقین شایسته انسان است و تبریک خداوند جز با کرامت ذاتی انسان سازگار نخواهد بود.

یکی از فقهاء در این زمینه می نویسد: «دلیلی بر عدم کفن و عدم جواز دفن کافر و اولاد او وجود ندارد و پیامبر که رحمه للعالمین بوده، حتی در نبرد با مشرکان دستور می داد اجساد کشته های آنان دفن شود. اگر در جایی غیرمسلمان ها خود اقدام به کفن و دفن نمایند این وظیفه از مسلمان ها ساقط است. ولی اگر شخص غیر مسلمان و کافر در جامعه اسلامی از دینا برود کفن و دفن او بر مسلمین واجب کفایی است». (غروی، ۱۳۸۲ / ۱۲۹). در نتیجه، در نگاه حقوق بشری و کرامت ذاتی به انسان، فارق از هر عقیده و ایده به موازات حفظ کرامت زندگان، پیکر مردگان اعم از مسلمان یا غیر مسلمان حرمت داشته و جزو حقوق مسلم اوست و هتک آن علاوه بر حکم اخلاقی، بر اساس حکم فقهی نیز جایز نیست.

یافته ها یا نتایج

اختصاص لزوم رعایت احترام و حرمت به میت مسلمان و نفی هر گونه حرمتی از میت غیرمسلمان، با روایاتی که مستند این قاعده واقع شده مغایرت دارد، چراکه در این روایات تصریحی به متوقف بودن واجد احترام بودن بر مسلمان بودن میت، نشده است. حتی اگر مسلمان بودن موارد مطروحه در این روایات، مسلم و مفروض عنده دانسته شود به دلیل این که براساس آیات قرآن اصل اولیه محترم بودن و کرامت ذاتی انسان است. و مادامی که انسان با اختیار و از روی آگاهی عملی مغایر با این کرامت، مرتکب نشود. شمول این روایات نسبت به غیرمسلمان قاصر با صریح آیات قرآن منافات دارد. همچنین با توجه به این که تقابل ایمان و کفر از مفاهیم ملکه و عدم ملکه است. بنابراین ایمان جایی قابل اطلاق است که اساساً امکان داشته باشد و زمانی ایمان امکان تحقق می یابد که فرد نسبت به یک عقیده آگاهی و اختیار داشته باشد. بنابراین اطلاق واژه کافر در مورد غیرمسلمانان قاصر که اساساً از اسلام آگاهی ندارند و یا آگاهی آنها مشوب به انواع شبهات است. امکان تحقق ندارد. همچنین توجه به مفهوم شناسی واژه کافر در آیات و روایات نشان دهنده مفهوم ایجابی مفهوم کفر است. چراکه در آیات و روایات به تصریح و به کنایه به لزوم وجود دو عنصر جحد و انکار در مفهوم کفر اشاره شده است بنابراین کفر صرف عدم اعتقاد نیست بلکه انکار و نفی یک نوع اعتقاد است و بر همین اساس جایی معنا دارد که فرد از یک اعتقاد آگاهی کامل و صحیحی داشته باشد.

البته فقیهان و متکلمان مواردی از قبیل: انکار و تکذیب، جهل، شک در وجود خدا و رسالت پیامبر، عدم ایمان، اخلال به مبانی هم چون توحید و عدل و اعتقاد به موجبات خروج از اسلام را به عنوان مؤلفه های کفر برشمرده اند

و عمده‌ی آنها به اجماع و روایات استناد کرده‌اند. که به نظر مؤلفه‌ی وجود و انکار تنها مؤلفه‌ای است که از مستندات استوار و قوی‌تری برخوردار است.

بنابر مجموع آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد اختصاص قاعده‌ی «حرمت میت» به میت مسلمان، و نفی هرگونه احترام و حرمتی از میت غیر مسلمان، با مسلمات قرآنی، روایی و عقلی، منافات دارد و بنابراین فاقد پشتوانه عقلی و نقلی قابل دفاع است. در نتیجه در این تحقیق با توجه به اصل کرامت انسانی، پیکر مردگان غیرمسلمان نیز حرمت داشته و جزو حقوق مسلم اوست و هتک آن علاوه بر حکم اخلاقی، بر اساس حکم فقهی نیز جایز نیست.

منابع

- قرآن کریم (ترجمه‌ی مکارم شیرازی)
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق) **روح المعانی فی تفسیر القرآن**، ج ۱۴، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۴ق) **خصال**، ج ۳، چ ۴، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا) **المحکم و المحيط الأعظم**، ج ۷، چ ۱، بی نا، بیروت
- ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا) **معجم مقاییس اللغه**، ج ۱، چ ۱، بی نا، قم
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا) **لسان العرب**، ج ۳، چ ۳، بی نا، بیروت
- اراکی، محمد علی (۱۴۱۴ق) **المسائل الواضحه**، ج ۱، چ ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ازهری، محمد بن احمد (بی تا) **تهذیب اللغه**، ج ۴ و ۱۰، چ ۱، بی نا، بیروت
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳ش) **الحدائق الناضرة فی أحكام العتره الطاهره**، چ ۲، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه
- تبریزی، جواد بن علی (بی تا)، **أسس القضاء و الشهاده**، ج ۱، چ ۱، قم، دفتر مؤلف
- جوکار، سید مهدی؛ روستا، ظهرا؛ غریب پور، مهدی (۱۴۰۲)، **تحلیل فقهی احکام پیمان بلند مدت سیاسی و اقتصادی با دول کافر در جهت خنثی سازی تحریم ها**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۳۲، ۲۴۹-۲۷۴
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵ش)، **فلسفه حقوق بشر**، ج ۱، چ ۱، قم، مرکز نشر اسراء
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا) **الصحاح**، ج ۲، چ ۱، بی نا، بیروت
- حسینی سیستانی، علی (۱۴۲۲ق) **المسائل المنتخبه**، در یک جلد، چ ۹، قم، دفتر حضرت آیه الله سیستانی

- حسینی شیرازی، صادق (۱۴۲۷ق) **المسائل الإسلامية مع المسائل الحديثة**، چ ۱، قم منشورات رشید
- حسینی شیرازی، محمد (بی تا) **منتخب المسائل الإسلامية**، در یک جلد
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق) **شرائع الاسلام**، ج ۱، چ ۲، قم، انتشارات اسماعیلیان
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق) **الفوائد الطوسية**، در یک جلد، چ ۱، قم، چاپخانه علمیه
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) **وسائل الشیعة**، ج ۲ و ۲۹، چ ۱، قم مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- خلیل بن احمد (بی تا) **کتاب العین**، ج ۳ و ۵، چ ۲، بی نا، قم
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۰۴ق) **زبدۀ الأحكام**، در یک جلد، چ ۱، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۶ق)، **مفردات الفاظ القرآن الکریم**، چاپ اول، قم، انتشارات طلیعه النور
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا) **مفردات ألفاظ القرآن**، چ ۱، بی نا، بیروت
- رازی، فخرالدین محمد (۱۴۰۴ق) **مفاتیح الغیب**، ج ۱، چ ۳، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی
- روشن ضمیر، محمد ابراهیم؛ مهدوی ارجمند، مصطفی (۱۴۰۳ش) **تحلیل مفهوم کفر در فقه و کلام و پیامدهای فقهی آن**، آموزه های فقه مدنی، شماره ۲۹، ۱۲۰ - ۱۱۰
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۱ش) **تفسیر کشاف**، مسعود انصاری، ج ۴ و ۱، چ ۲، انتشارات تهران، ققنوس
- زنجانی، سید موسی شبیری (۱۴۲۸ق) **المسائل الشرعية**، چ ۱، قم، مؤسسه نشر الفقاهه
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۵ق) **مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهية الأساسية**، ج ۱ و ۱۰، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶ق) **المبسوط**، ج ۱۰، بیروت، انتشارات دارالمعرفه
- شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵ق) **رسائل الشریف المرتضی**، ج ۲، چ ۱، قم، دار القرآن الکریم
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۷ش) **الملل و النحل**، ج ۱، قم، انتشارات منشورات الرضا
- شهید ثانی، زین الدین علی (۱۴۲۳ق) **مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۰ش) **فقه الحج: بحوث استدلالیه فی الحج**، ج ۲، قم، دفتر آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

- صدر، شهيد، سيد محمد باقر (١٤٠٣ق) **الفتاوى الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام**،
در يك جلد، چ ٨، بيروت، دار التعارف للمطبوعات
- طباطبائي، محمد حسين (١٣٧٤ش) **ترجمه تفسير الميزان**، موسوى، محمد باقر، ج ١ و ١٣، چ ٥، قم،
جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى
- طباطبائي حكيم، سيد محسن (١٤١٠ق) **منهاج الصالحين**، ج ١ و ٦، چ ١، بيروت، دار التعارف للمطبوعات
- طباطبائي قمى، سيد تقى (١٤٢٣ق) **الدلائل فى شرح منتخب المسائل**، ج ٤، چ ١، قم، كتابفروشى
محلالتى
- طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٢ش)، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، ج ١ و ١٤، چ ٣، تهران، انتشارات
ناصر خسرو
- طبرسى، فضل بن حسن (بى تا) **تفسير مجمع البيان**، احمد بهشتى، ج ٢٣، چ ١، تهران، فراهانى
- طريحي، فخر الدين بن محمد (١٣٧٥ش) **مجمع البحرين**، چ ٣، بى نا، تهران
- عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤١٣ق) **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، چ ١، قم،
مؤسسه المعارف الإسلاميه
- عاملى، محمد بن على موسوى (١٤١١ق) **مدارك الأحكام فى شرح عبادات شرائع الإسلام**، چ ١،
بيروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام
- عسكرى، حسن بن عبدالله (بى تا) **الفروق فى اللغة**، چ ١، بى نا، بيروت
- علامه حلى، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى (١٤٢٠ق) **تحرير الأحكام الشرعية على مذهب
الإماميه**، ج ١، چ ١، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام
- غروى، على اصغر (١٣٨٢ش) **شرح رساله**، تهران، نشرنگارش
- فاضل هندی، محمد بن حسن (١٤١٦ق) **كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام**، ج ٧، چ ١، قم،
دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم
- فتح الله، احمد (١٤١٥ق) **معجم الفاظ الفقه الجعفرى**، چ ١، دمام مطابع المدخول
- فيومى، احمد بن محمد (بى تا) **المصباح المنير**، ج ٢، چ ٢، بى نا، قم
- قرشى، على اكبر (بى تا) **قاموس قرآن**، ج ٢، بى نا، تهران
- قمى، شاذان بن جبرئيل (١٤٢٣ق) **الروضة فى فضائل امير المؤمنين**، على شكرچى، قم، مكتبه الامين
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق) **الكافي**، ج ٧ و ٤، چ ٤، تهران، دار الكتب الإسلاميه

- گیلانی فومنی، محمد تقی بهجت (۱۴۲۳ق) **وسيلة النجاة**، در یک جلد، چ ۲، قم، انتشارات شفق
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق) **شرح الکافی**، ج ۱۰، چ ۱، تهران، المكتبة الإسلامية
- محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق) **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۱، چ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان
- مکارم، ناصر (۱۴۲۴ق) **رسالة توضیح المسائل**، چ ۲، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق) **دراسات فی ولایه الفقیه وفقه الدوله الاسلامیه**، ج ۳، چ ۲، تهران، انتشارات تفکر
- منتظری، حسینعلی (۱۳۹۴ش) **رساله حقوق**، تهران، نشر سراپی
- منتظری، حسین علی (۱۴۱۳ق) **الأحكام الشرعية علی مذهب أهل البيت علیهم السلام**، در یک جلد، چ ۱، قم، نشر تفکر
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق) **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۲ و ۱۰، چ ۱، قم، انتشارات مرکز الكتاب للترجمه و النشر
- نجفی، محمد حسن (۱۳۸۵ش) **جواهر الکلام**، ج ۲۱، چ ۵، قم انتشارات دارالکتب الاسلامیه
- نجفی (کاشف الغطاء)، جعفر بن خضر مالکی (بی تا) **شرح طهارة قواعد الأحكام**، در یک جلد، مؤسسه کاشف الغطاء
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۴ش) **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، **مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام**، چ ۱، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیا التراث
- موسی، حسین یوسف (بی تا) **الإفصاح**، ج ۱، چ ۴، قم، بی نا
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق) **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۲۹، ۱۵، ۲، ۳، چ ۱، قم، مؤسسه آل البيت (ع)
- مومن قمی، محمد (۱۴۱۵ق) **کلمات سدیده فی مسائل جدیده**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- مهنا، عبد الله علی (بی تا) **لسان اللسان**، ج ۱، چ ۱، بیروت
- لطفی، عبدالرضا و همکاران (۱۳۹۵ش) **اشخاص مورد حمایت در مخاصمات**
- **مسلحانه**، ج ۱، چ ۱، تهران، نشر میزان

- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق) *المبسوط فی فقه الامامیه*، ج ۱، ۲، ۶، المكتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق) *جواهر الکلام*، ج ۲۱، ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق) *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی

References

- Holy Quran (translation by Makarem Shirazi)
- Jokar, Seyed Mehdi; Village, Zahrab; Gharibpour, Mehdi (1402), jurisprudential analysis of the rulings of long-term political and economic agreements with infidel countries in the direction of neutralizing sanctions, studies of Islamic jurisprudence and law, 32, 249-274
- Alousi, Seyyed Mahmoud (1415 AH), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an, vol. 14, ch. 1, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya
- Ibn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad Bin Ali (1414 AH) Khasal, Vol.
- Ibn Saydeh, Ali Ibn Isma'il (Beta) Al-Mahkem and Al-Azam Al-Azam, Volume 7, Chapter 1, Bina, Beirut
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris (Beta) Ma'jam Maqayis al-Lagheh, Vol. 1, Ch. 1, Bina, Qom
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (Beita) Lasan al-Arab, Vol. 3, Ch. 3, Bina, Beirut
- Araki, Muhammad Ali (1414 A.H.) Al-Masal al-Shazrah, Vol. 1, Ch. 1, Qom, Publications of the Islamic Propaganda Office of the Qom Theological Seminary
- Azhari, Muhammad bin Ahmad (Beta) Tahzeeb al-Legha, Vol. 4 and 10, Ch. 1, Bina, Beirut
- Bahrani, Yusuf bin Ahmad (1363) Al-Hadaiq al-Nadrah in Ahakm al-Utrah al-Tahira, Ch. 2, Qom, Jama'ah al-Madrasin fi al-Hawza al-Alamiyah
- Tabrizi, Javad Bin Ali (Beta), The Foundations of Jurisprudence and Shahadah, Volume 1, Chapter 1, Qom, Author's Office
- Javadi Amoli, Abdullah (1375), Philosophy of Human Rights, Volume 1, Chapter 1, Qom, Isra Publishing Center
- Johari, Ismail bin Hamad (Beta) Al-Sahah, vol. 2, ch. 1, Bina, Beirut
- Hosseini Sistani, Ali (1422 A.H.) Al-Masal al-Maltagha, in one volume, Chapter 9, Qom, office of Hazrat Ayatollah Sistani
- Hosseini Shirazi, Sadegh (1427 AH) Al-Masal al-Islami with Al-Masal al-Hadinah, Ch. 1, Rashid Manifesto, Qom

- Hosseini Shirazi, Muhammad (Bita) selected Islamic issues, in one volume
- Hali, Jafar bin Hasan (1408 AH) Sharia al-Islam, Vol. 1, Ch. 2, Qom, Ismailian Publications
- Hara Amlī, Mohammad Bin Hassan (1403 AH) al-Fawad al-Tawsiyya, in one volume, Ch. 1, Qom, Scientific Printing House
- Harr Aamili, Muhammad bin Hasan (1409 AH) Shia means, vol. 2 and 29, ch. 1, Qom, Al-Bayt Institute, peace be upon them.
- Khalil Ibn Ahmad (Beita) Kitab Al-Ain, Vol. 3 and 5, Ch. 2, Bina, Qom
- Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi (1404 AH) Zubdah al-Ahkam, in one volume, Ch1, Tehran, Islamic Propaganda Organization
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1426 AH), The Words of the Holy Qur'an, first edition, Qom, Taliyah Al Noor Publishing House
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (B.T.A.) Vocabulary of Al-Qur'an, Ch. 1, Bina, Beirut
- Razi, Fakhr al-Din Muhammad (1404 AH) Mufatih al-Ghaib, Volume 1, Ch 3, Beirut, Dar al-Ahiyya al-Trath al-Arabi
- Roshan-Zamir, Mohammad Ebrahim; Mahdavi-Arjamand, Mustafa (1403) Analysis of the concept of blasphemy in fiqh and kalam and its jurisprudential consequences, Madani Jurisprudence Teachings, No. 29, 120-110
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1391) Tafseer Keshaf, Massoud Ansari, Vol. 1, 4, Ch. 2, Tehran Publishing House, Qaqnos
- Zanjani, Seyyed Musa Shabiri (1428 AH) al-Masail al-Sharia, Ch. 1, Qom, Al-Faqaha Publishing House
- Saifi Mazandrani, Ali Akbar (1425 AH) The Basics of Fiqh Al-Faqal in Al-Qasas al-Fiqhiyyah Al-Qum, Vol.
- Sarkhsi, Shams al-Din (1406 AH) al-Massut, vol. 10, Beirut, Dar al-Marafa Publications
- Sharif Mortaza, Ali bin Hossein Mousavi (1405 AH) Rasaila Al-Sharif al-Mortaza, vol. 2, ch. 1, Qom, Dar Al-Qur'an al-Karim
- Shahrastani, Mohammad bin Abdul Karim (1367) Al-Millam and Al-Nahl, Volume 1, Qom, Al-Reza Manshurat Publications
- Shaheed Thani, Zain al-Din Ali (1423 A.H.), Masalak Al-Afham to Revise Islamic Laws, Qom, Islamic Knowledge Institute
- Safi Golpaygani, Latfullah (1390) Fiqh al-Hajj: Argumentative Research on Hajj, Volume 2, Qom, Office of Grand Ayatollah Sheikh Lotfullah Safi Golpaygani

- Sadr, Martyr, Seyyed Muhammad Baqir (1403 AH) Al-Aftawi al-Shahaha according to the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon him, in one volume, Ch8, Beirut, Dar Taqqin Lal-Mahabat
- Tabatabayi, Mohammad Hossein (1374), translation of Tafsir al-Mizan, Mousavi, Mohammad Baqir, vol. 1, 13, ch. 5, Qom, Qom Seminary Society of Teachers, Islamic Publications Office
- Tabatabayi Hakim, Seyyed Mohsen (1410 AH) Minhaj al-Salehin, Vol. 1 and 6, Ch.
- Tabatabayi Qommi, Seyyed Taqi (1423 AH) Al-Dalail in the Book of Selected Questions, Vol. 4, Ch. 1, Qom, Mahalati Book Store
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372), Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Vol. 1 and 14, Ch. 3, Tehran, Nasser Khosrow Publications
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (Bita) Tafsir Majam al-Bayan, Ahmad Beheshti, Vol. 23, Ch. 1, Tehran, Farahani
- Tareehi, Fakhr al-Din bin Mohammad (1375), Al-Bahrain Assembly, Ch. 3, Bina, Tehran
- Aamily, Shahid Thani, Zain al-Din bin Ali (1413 AH), Masalik al-Afham to the Revision of Islamic Laws, Ch. 1, Qom, Islamic Encyclopaedia Foundation
- Aamily, Muhammad bin Ali Mousavi (1411 AH) Documents of Al-Ahkam in the Description of Islamic Laws of Worship, Chapter 1, Beirut, Al-Bayt Institute, peace be upon them
- Askari, Hasan bin Abdallah (Beita) al-Frooq fi al-Legha, Ch1, Bina, Beirut
- Allameh Hali, Hasan bin Yusuf bin Motahar Asadi (1420 AH) Tahrir al-Ahkam al-Sharia on the Imamate Madhhab, Vol. 1, Ch. 1, Qom, Institute of Imam Sadiq, peace be upon him.
- Gharavi, Ali-Asghar (1382) Description of treatise, Tehran, Nashgaresh
- Fadel Handi, Muhammad bin Hassan (1416 AH) Kafsul-l-Tham va al-Bahham an al-Qa'aa al-Ahkam, Vol.7, Ch1, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society
- Fathullah, Ahmad (1415 A.H.), Al-Jaafari Dictionary of Words, Ch.
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad (B.T.A.) al-Masbah al-Munir, vol. 2, ch. 2, Bina, Qom
- Qureshi, Ali Akbar (Bita) Qur'an Dictionary, Volume 2, Bina, Tehran
- Qomi, Shazan bin Jibreel (1423 AH) al-Rawda fi Fadael Amir al-Momenin, Ali Shekarchi, Qom, Al-Amin School
- Kalini, Muhammad bin Yaqoob (1407 AH) Al-Kafi, vol.2 and 7, ch.4, Tehran, Dar al-Kutub al-Islami
- Gilani Fumani, Mohammad Taqi Behjat (1423 AH) Wasile al-Najat, in one volume, Ch2, Qom, Shafaq Publications

- Mazandarani, Muhammad Saleh bin Ahmad (1382 AH), Sharh al-Kafi, vol.10, ch1, Tehran, Islamic Library
- Mohagheg Hali, Najm al-Din, Jafar bin Hasan (1408 AH) Islamic Laws in Halal and Haram Issues, Vol. 1, Ch. 2, Qom, Ismailian Institute
- Makarem, Nasser (1424 A.H.) Risalat Tawsih al-Masail, Chapter 2, Qom, Publications of Imam Ali Bin Abi Talib School, peace be upon him.
- Montazeri, Hossein Ali (1415 AH) Derasat fi Wilayah al-Faqih and Faqe al-Dawlah al-Islamiyya, Vol.3, Vol.2, Tehran, Tishkar Publications
- Montazeri, Hossein Ali (1394) Law Treatise, Tehran, Saraei Publishing House
- Montazeri, Hossein Ali (1413 AH) Al-Ahkam al-Sharia on the Madhhab of Ahl al-Bayt, peace be upon them, in one volume, Ch1, Qom, Tashkar publication.
- Mostafavi, Hassan (1402 AH) Researching the Words of the Holy Qur'an, Vol.2 and 10, Ch.1, Qom, Al-Katab Publishing House for Translation and Al-Nashar
- Najafi, Mohammad Hassan (1385) Jawaharlal Kalam, Vol. 21, Ch. 5, Qom, Darul Kitab al-Islamiya Publications
- Najafi (Kashif al-Ghita), Ja'far bin Khizr Maliki (Beta) Commentary on the Purity of the Rules of Al-Ahkam, in one volume, Kashif Al-Ghita Institute
- Mostafavi, Hassan (1374) Researching the words of the Holy Quran, Tehran, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance
- Mousavi Amali, Muhammad bin Ali (1411 AH), Madarak al-Ahkam fi Sharh Shar'e al-Islam, Ch. 1, Beirut, Al-Al-Bayt (AS) Lahia al-Tarath Institute
- Musa, Hossein Yusuf (Beita) Al-Ifsah, Vol. 1, Ch. 4, Qom, Bina
- Har Amili, Mohammad Bin Hasan (1409 AH) Usal al-Shia until the study of Shari'ah issues, Vol. 29, 15, 2, 3, Ch 1, Qom, Al-Al-Bayt Institute (AS)
- Momin Qomi, Muhammad (1415 A.H.) Corrected Words in New Issues, Qom, Qom Seminary Teachers' Society
- Mehna, Abdullah Ali (Beita) Lasan al-Lasan, vol. 1, ch. 1, Beirut
- Lotfi, Abdolreza et al. (2015) Persons supported in conflicts
Armedly, Vol. 1, Vol. 1, Tehran, Mizan Publishing House

- Tusi, Abu Ja'afar Muhammad bin Al-Hasan (1407 AH) al-Mabusut fi fiqh al-Umamiyah, vol. 1, 2, 6, al-Maktaba

Al-Mortazwiyyah Lahiya works of Al-Jaafari

- Najafi, Mohammad Hasan (1404 AH) Jawaharlal Kalam, vol. 21, ch. 7, Beirut, Darahiya al-Tratah al-Arabi

- Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babuyeh (1413 AH) Man Laihzara al-Faqih, vol. 1, ch. 2, Qom, publishing house

islamic

UNCORRECTED PROFF